



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۱۰/۲۴



محمد نظیر تنویر

تفریط گرایي و يا فرار از مسئولیت

به سلسله مضمین «انس با وحی»: برداشتی از آیات ۲۵-۳۳ سورة الحاقه

تبصره اداره:

[[ویب سایت آریانا افغانستان آنلاین به اصل آزادی عقیده و بیان و پیروی از این اصل در نشرات خود باورمند و به آن پایبند میباشد و اعتقاد راسخ دارد که « بارقه حقایق از اختلاف نظر ها نشأت میکند» روی همین اصل مقاله محترم انجنیر محمد نظیر تنویر مقیم هالند را بدون کم و کاست و یا حذف و افزودن کلمات و یا عبارات نشر می نماید. جناب تنویر موضوع جالب و قابل بحثی را در رابطه با افراط و تفریط مطرح نموده و تعبیر و نظر شان را ابراز داشته اند که معلوماتی و قابل بحث بوده و نظریات مزید را از زوایای مختلف ایجاب خواهد کرد. ویب سایت آریانا افغانستان آنلاین نظر مختصری را در داخل { } ها به رنگ سرخ در مورد برخی از نظریات و تعبیر ها و تعریف های از «افراط» و «تفریط» که جناب تنویر دارند، نگاشته است تا زمینه یک بحث علمی را درین رابطه فراهم کرده باشد. انتظار می رود صاحب قلمان و دانشمندان ارجمند و با صلاحیت درین رابطه روشنی بیشتر انداخته و در روشنگری اذهان خوانندگان گرامی سهم ارزنده شان را ارزانی دارند.]]

«آریانا افغانستان آنلاین»

زمانی که به قرائت کوتاه، و مشترک دو قاری جوان

(یوسف و عبدالکریم) گوش فرا داده بودم

بخش اول

<https://www.facebook.com/afghan/videos/1074528696001479>

معانی آیات، چنان بر من اثر گذاشت که ترس همه وجودم را فرا گرفت. اشک از دیدگانم چنان جاری گشت که صورتم را چند باری شست. از خود پرسیدم که چرا باید انسانها از زیر بار مسئولیت فرار نمایند و برای توجیه این عمل شان، خویشان و اندیشه های شان را، «بیک بُعدی» شکل دهند؟

چرا و تا چه زمانی؛ با سوء استفاده از رحمانیت الله (ج)، از زیر بار مسئولیت های که خود نعمت است (برای فرد، جامعه و نظام هستی)، باید فرار نمود؟
مگر الله (ج) نفرموده است که:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿الاسراء: ۳۶﴾

و از چیزی که به آن علم نداری [بلکه برگرفته از شنیده ها، ساده نگری ها، خیالات و اوهام است] پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل [که ابزار علم و شناخت واقعی اند] مورد بازخواست اند.

پس چرا انسانها در حالی که گوش و چشم و دل هر یک مسئول انتخابش است، خود را بنده و اسیر «گمان زنی» هایش ساخته و از آنچه که علم به آن ندارند، پیروی می نمایند؟
این چرا ها، مرا به فکر «تفریط گرایی» جامعه ما انداخت، و مرا واداشت تا این مقاله را زیر عنوان «تفریط گرایی و یا فرار از مسئولیت» بنویسم.

تفریط یعنی کوتاهی کردن در کاری، یعنی چیزی را بیهوده ساختن و تلف کردن می باشد که فرد با از دست دادن صبر و خرد، زیر تأثیر هوای نفس رفته، عملش - برایش نیکو جلوه می نماید تا جای که دینش را نیز زیر این طرز دید (هوای نفس) قرار می دهد.

دگر این «تفریط گرایان» هر آن کسی را که «امر به معروف و نهی از منکر» می دارند، افراط گرا می بینند، چونکه در قدم اول سرگرمی های شان (موزیک، شطرنج، سریال، گیم وو...) زیر سؤال می رود، و در قدم بعدی؛ که خود نمی توانند آنرا احساس نمایند، تخریب و منجمد ساختن عقل شان می باشد. **تبصره اداره: نخست این که تعریفی که از «امر به معروف و نهی از منکر» داریم چیست؟ آیا این به معنی ضرب و شتم و تعجیز و توبیخ و لت و کوب، تحکم و اذیت جسمی و روحی است و یا روشنگری و تبلیغ و تفهیم و منطق و استدلال، که تا کنون از این «امر به معروف و نهی از منکر» برداشت اولی بوده است و دران صورت عاملین امر به معروف و نهی از منکر عمل افراط گرایانه انجام میدهند و توصل به زور خودش افراط می باشد. در مورد گیم ها و شطرنج و بعضی دیگر از سرگرمی ها باید گفت که این بخش نظر شخصی نویسنده است و دلیل علمی تا کنون ارائه نشده است بلکه تحقیقات نشان داده که بسیاری از گیم های که مخصوصاً برای اطفال تولید میگردد در رشد فکری آنها کمک می کند.}}**
مقوله زیبای است از حضرت علی (رض) که می گوید:

« کسی که زیاد به سرگرمی بپردازد، عقلش کم است! » **تبصره اداره: تمسک به مقوله ها نمی تواند حکم شرعی و یا یک اصل فقهی باشد مثل این مقوله معروف (كل طويل احمق الا عمر و كل قصير فتنة الا علي). آیا می توان به آن باور نمود؟}}**

پس این که انسان خود را به امور بیهوده سرگرم کند نتیجه آن کاهش بهره وری عقل خواهد بود که به طور طبیعی افراط و تفریط در رفتار و زندگی را موجب خواهد شد.

متأسفانه امروزه و در غربت دین (حتی در بین حزب اسلامی که یک جریان سچة اسلامی می باشد) چه بسا کسانی را که اهل دین هستند و در انجام فرایض دینی خود دقت دارند زیر نام «متحجرین» می گویند. کمیته هایی را زیر نام «تحرز زدایی» شکل می دهند و مقالاتی را زیر عناوین «متحجر کیست؟» از بلندگو های احزاب اسلامی به نشر می سپارند. **تبصره اداره: نویسنده درین کلی گوئی مشخص نمی سازد که کدام حزب**

اسلامی؟ حزب اسلامی افغانستان و یا همه احزاب اسلامی؟ که ایجاب می کند توضیحاتی مستند و مستدل درین زمینه داده می شد}}

پس در حقیقت این حرکتها (فرقه معتزله، منکرین حدیث، فرقه سروشیه، فرقه های طریقتی، فرقه های رافضی و و...) همه بیشتر اثرات «دین گریزی» و یا «بی باوری دینی» بقیه افراد جامعه را زمینه ساز می شوند، تا مبارزه علیه افراط گرایی را!

{{ تبصره اداره: اعتراض نویسنده به سایر فرقه های دینی و تصوفی که نظر او را منعکس می سازد}}

از تحریف «افراط گرایی» معاندین اسلام زیاد شنیده ایم و ضرورت به تکرارش نمی رود! بیائید سری بزنیم که افراط گرایی در اصل چیست؟ و بعداً سری به حلقه های خود بزنیم و ببینیم که این صفات تا چه حدی در وجود همین آقایون تفریط گرا موجود است:

- افراط یعنی عدم پذیرش دیگران و نظریات شان (خود گرایی)؛
- افراط یعنی سرباز زدن از حدود الهی و پافشاری- و نقد نسبت به آن؛ **{{ تبصره اداره: تنها از افراط از نگاه دین تعریف شده در حالیکه افراط در هر امری منفور بوده می تواند و حدود و ثغور مشخصی داشته می تواند}}**
- افراط یعنی شامل ساختن بدعت و کذب در شریعت الهی و آنرا توجیه دینی دادن و بر دیگران بهتان بستن؛
- افراط یعنی در اولویت قرار دادن سلیقه فردی نسبت به قوانین الهی و دست به تحریف و تغییر آن زدن؛
- افراط یعنی ابراز خشم و تنفر و افکار غیر انسانی داشتن، نسبت به کسانی که متفاوت از ما فکر میکنند؛
- افراط یعنی دیگران را به نظر تحقیر دیدن و تشخیص و شعور شان را به تمسخر کشاندن؛ **{{ تبصره اداره: شاید اهانت و تحقیر تعریف بهتری از این عبارت باشد}}**
- افراط یعنی شیفته شدن به نوگرایی، و کوبیدن گذشته، زیر نام تحجر گرایی؛
- افراط یعنی دیکتاتوری فکری زیر نام مدرنیته، و خط بطلان به اندیشه های گذشتگان؛ **{{ تبصره اداره: این را گویند استبداد کلام نه افراط گرایی}}**
- افراط یعنی عقل گرایی تا سرحدی که، بنده عقل شدن، و ماوراء آنرا تحجر پنداشتن؛ ووو... **{{ تبصره اداره: تبصره اداره: به این معنی است که تعقل را باید نفی کرد. همه این صفات از منظر عقاید شخصی مورد ارزیابی قرار گرفته در حالیکه افراط یک مفهوم عام و همه شمول بوده و در هر موردی چه دینی و عقیدتی و چه مسایل دیگر مربوط به زندگی انسانها ارزیابی شده می تواند}}**

پس حالت تفریط گرایان به مرحله ای رسیده است که بقیه افراد جامعه را بخصوص دینداران عملی (Practical Muslim) را، افراطی می پندارند و زیر نام متحجر بر ایشان می تازند. اینجاست که ایشان؛ در عدم تقوای الهی، از مسیر عدالت و اعتدال منحرف و به مسیر شقاوت و بدبختی سقوط می کنند.

فکر کردم تا با پیوند این فلم کوتاه، و درج معانی آن، بتوانم این مقاله را بیشتر پُر بار نموده، و پیشکش شما عزیزان نمایم. تا شود از بی مسئولیتی خویش در برابر خالق هستی، بکاهیم، و با دو بال «ترس» و «امید» بسوی الله (ج) پرواز نمائیم.

بلی! مؤمن می تواند بسوی الله (ج) که همان «شریعت الهی» است، با بال «ترس از الله (ج)» و «امید به الله (ج)» پرواز نماید تا حقانیت خلقت خودش، و جهان هستی را بهتر درک نماید. زیرا شریعت الهی، قانون اعتدال است،

پیروانش را به «امت وسط» {البقره: ۴۳} مسمی گردانیده است که از افراط - غلو گرایی، و از تفریط - تعطیل مسئولیت پذیری، ایشان را برحذر می دارد.

الله (ج) در سوره الاعراف می فرماید:

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا ۚ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾

و در زمین پس از اصلاح آن (امدن شریعت الهی) فساد مکنید و الله را هم از راه «ترس» و هم از روی «امید» بخوانید، که یقیناً رحمت الله به نیکوکاران نزدیک است.

پس نباید تفریط گرا بود!

اینکه مباحث افراط گرایی به اوجش رسیده و با پیوند تحریف «معاندین اسلام»، آنرا به بحث داغ و بحث روز شکل داده اند، نباید درین خلا، بازار تفریط گرایی و بی مسئولیتی را بیشتر رونق دهیم. زیرا «یک بُعدی» اندیشیدن، و تنها به رحمانیت الله (ج) فکر کردن، یکی از وسیله های نفوذ پذیری شیطان بوده که فرد را در جهت انحراف مسیر می دهد!

پس باید از تفریط گرایی حذر نمائیم و با دو بال «ترس» و «امید» بسوی دین الله (ج) پرواز نمائیم زیرا اگر فکر انسان تنها به رحمانیت الله (ج) تمرکز نماید، مانند اندیشه های عیسویت، یهودیت و حتی بودیزم گشته، که اوقات طلایی اش (الْأَيَّامُ الْخَالِيَةِ) {الحاقه: ۲۴} را، که می بایست با حسنات پُر می داشت، از دست داده و به هدر می برد. بلی! یکی از شیوه ها و کاربرد های شیطان در فریب بشر، همین جلوه دادن حیات طولانی و آمرزگاری و مغفرت الله (ج) می باشد:

فَلَا تَعْرَبْكُمْ أَهْلَ الدُّنْيَا وَلَا يَعْرَبْكُمْ بِاللَّهِ الْعَزُورُ ﴿٣٣﴾

پس زندگی دنیا شما را نفریبید، و مبادا شیطان شما را به (کرم و رحمت) الله مغرور کند. {لقمان: ۳۳} و {فاطر: ۵}

از جانب دیگر، این «یک بُعدی» فکر کردن (تفریط گرایی) و همچنان با دستاویز رحمانیت الله (ج) از زیر بار مسئولیت فرار کردن، خود اهانت بر شأن و منزلت خالق هستی بوده، که عدالتش را زیر سؤال می برد! این مطلب را الله (ج) در پرسشی، چنین بیان می دارد:

أَفَمَن رُّبِّينَ لَهُ سَوْءُ عَمَلٍ فَرَأَاهُ حَسَنًا ۗ ...

پس آیا کسی که کردار زشتش در نظرش آراسته شده و آن را نیکو بیند، (مانند کسی است که برآستی نیکوکار است)؟ {فاطر: ۸}

پس قرآن به صراحت این طرز «یک بُعدی» فکر کردن را نفی می دارد. زیرا رحمت - و عدالت الله (ج) ملازم و پیوست همدیگر بوده، که نباید با مطرح ساختن رحمت الهی؛ عدالت الهی را زیر سؤال بریم
بخش دوم:

- اینجاست که ضرورت بال دومی از برای پرواز بسوی الله (ج) مطرح می گردد!

بال ترس از الله (ج)!

(منتظر بخش دوم بمانید)